

آزادی، بیان از نگاه دین مبین اسلام

اسلام دینی است ورای زمان و مکان، دینی بی حد و مرز، دینی افراط گریز. اسلام دینی است که بیان را در چارچوب احترام و عقیده را در قالب اکرام دیگر عقاید می پذیرد و انسان را مختار در انتخاب اندیشه و نگرش به زندگی قرار می دهد.



اسلام دینی است ورای زمان و مکان، دینی بی حد و مرز، دینی افراط گریز. اسلام دینی است که بیان را در چارچوب احترام و عقیده را در قالب اکرام دیگر عقاید می پذیرد و انسان را مختار در انتخاب اندیشه و نگرش به زندگی قرار می دهد.

به گزارش سرویس اندیشه خبرگزاری رسا، در دنیایی که عقاید اشخاص به بدترین شکل ممکن در تقابل با یک دیگر قرار گرفته‌اند، ارائه نظرات و باورهای افراد در سایه آرامش و تفکر کمی دشوار به نظر می‌آید.

درحالی که غرب همراه با بندگان و دست پروردگان به ظاهر مسلمانان، تلاش می‌کند تا دین اسلام را دینی عقب مانده و متحجر به جهان معرفی کند، اما حقیقت آن است که اسلام کامل ترین و بروزترین دین جهان است.

مبحث هایی همچون طهارت، ارث، احترام به مالکیت اشخاص، رعایت حق دیگران و محترم شمردن نفس بشر تنها چندی از مواردی است که تا پیش از اسلام، بین جوامع انسانی محلی از اعراب نداشته و این اسلام بوده است که سبک زندگی بشر را به شکل مستقیم یا غیرمستقیم بهبود بخشیده است.

این درحالی است که امروزه غرب و دست نشاندگی‌های منطقه‌ای آن ها تلاش می کنند تا سبک زندگی اسلامی را ملغمه ای از آلودگی ظاهر، قتل و کشتار ناجوانمردانه، غصب جان، مال و ناموس افراد و خشونت بی حد و حصر نشان دهند.

آزادی بیان یکی دیگر از مباحثی است که غرب آن را مخالف با اصل اسلام پنداشته و سعی می کند به جهان تلقین کند که اسلام با آزادی اندیشه و بیان در تضاد شدیدی است؛ حال آنکه قرآن کریم، نه تنها آزادی بیان را رد نمی کند، بلکه آن را نیز حقی از حقوق مسلم بشر می داند.

قرآن کریم، آزادی بیان را کلید یافتن اندیشه های ناب و عمیق الهی دانسته و بشر را در همه حال توصیه به تفکر و اندیشه می کند.

آزادی بیان مورد نظر قرآن کریم، سبب دستیابی به کمالات معنوی، بالندگی و حیات بشری شده و از سقوط به قهقرای جهالت جلوگیری می کند.

آزادی را می توان مهم ترین دغدغه بشر در طول تاریخ دانست؛ به نحوی که بسیاری از انسان ها برای رسیدن به آزادی و بازپس گیری حقوق ضایع شده خود تمام قد در برابر صاحبان زر و زور و تزویر ایستادند و در این راه جان خود را از دست دادند.

ماده یک اعلامیه جهانی حقوق بشر که در تاریخ 1948 به تصویب رسید مقرر می کند: «همه افراد بشر آزاد و با حیثیت و حقوق یکسان زاییده می شوند» (1) ماده 11 اعلامیه اسلامی حقوق بشر که در سال 1990 و در قاهره به تصویب رسید نیز در تکمیل ماده پیشین می افزاید: «انسان آزاد متولد می شود و هیچ کسی حق ندارد او را به بردگی بگیرد؛ دلیل کند یا مقهور خود گرداند. هیچ کسی حق ندارد از دیگری بهره ببرد. بندگی تنها برای خداوند متعال خواهد بود.» (2)

در حالی اندیشمندان بی دین کشورهای غربی و شرقی معتقدند که ادیان برای زنجیر کردن بشر بوجود آمده و وظیفه ای جز سلب آزادی از انسان ها ندارند اما می توان نخستین پیام آوران آزادی را رسولان الهی دانست. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «... وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»... و سختی ها و زنجیره هایی که بر آنان است را بر می دارد.» (3)

حضرت امیرالمؤمنین (ع) نیز در این باره فرموده اند: «لا تكن عبد غيرك و قد جعلك الله حراً» برده ی دیگری مباش در حالی که خدا تو را آزاد قرار داد.» (4)

بی تردید، آزادی بیان و اندیشه بیش از آزادی جسم و جان برای بشر مهم جلوه می کند چرا که شاید بتوان جسم و جان را در بند کرد اما نمی توان کرامتی که خداوند آن را به انسان بخشیده است در زنجیر کرد. «وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» و به تحقیق فرزندان آدم را گرامی داشتیم.» (5)

با آنکه حق آزادی بیان به عنوان یک حق بشری مورد توجه قرار می گیرد اما گاهی این حق با تجاوز همراه شده و بیان بدون تقید به احترام مرزهای دینی، تاریخی و جغرافیایی را در می نوردد.

بیان تنها چیدن چند کلمه در کنار یکدیگر و رساندن مفهوم بوسیله جملات بوده و به خودی خود حامل معنای خاصی نیست؛ معنا در آن چیزی نهفته است که به آن اشاره می شود. خواه نیکو باشد یا زشت جلوه کند. سخن با مفهوم نیک، مثبت پنداشته می شود و بیان ناخوشایند بار منفی به همراه دارد.

با این وجود لازم به ذکر است که داشتن حق آزادی بیان به این معنا نیست که هر کسی می تواند بدون محدودیت و قید و بند هر نظری را با تجاوز به حقوق دیگران بازگو کند.

بند دوم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی احترام به حقوق دیگران و امنیت ملی، سلامت اخلاقی و احترام به حیثیت دیگران را خط قرمز حق آزادی بیان معرفی می کند.

اسلام نیز، با وجود آنکه آزادی بیان را حقی منطقی می دادند اما آن را بی حد و مرز نمی پندارد. رسول خدا(ص) در خصوص حدود الهی می فرمایند: «ان الله عزوجل جعل لكل شیء حدًا و جعل علی من تعدی حدًا من حدود الله عزوجل حدًا» همانا خداوند برای هر چیزی مرزی و برای کسی که تجاوز از مرزی از مرزهای خداوند نماید، حدی قرار داده است.» (6)

قرآن مجید و مفهوم بیان

قرآن کریم از «بیان» به دو شکل استفاده کرده است. نخست، بیان آن چیزی است که عامل ارتباط انسان با دیگران می شود، که به شکل سخن گفتن نمود پیدا می کند و دیگری در معنای لغوی آن بکار می رود که منظور از آن خود «قرآن کریم» خواهد بود.

در شکل اول خداوند تبارک و تعالی در قرآن می فرماید: «حَقَّقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» انسان را آفرید و او را بیان آموخت.» (7) اما در شکل دوم خداوند می فرماید: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» این بیانی برای مردم و هدایت و پندی برای متقین است.» (8) در این آیه منظور از «بیان» همان قرآن کریم است. در آیه 2 سوره یوسف نیز سبک بیانی قرآن کریم این گونه ذکر شده است: «إِنَّا أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» همانا ما قرآن را عربی فروفرستادیم، باشد که تعقل کنید.» (9)

قرآن مجید و اهمیت بیان

در آیه 8 و 9 سوره مبارکه بلد خداوند به خلق چشم و زبان و لب اشاره کرده است که هر یک وظیفه انجام کاری را دارند؛ البته این اعضای بدن، میان انسان و حیوان مشترک است چیزی که انسان را از دیگر حیوانات متمایز می کند «علمه البیان» آیه 3 سوره الرحمن است. بی تردید زبان و لب لازمه سخن گفتن هستند اما بدون علم به بیان، این اعضا، تفاوتی با لب و زبان حیوانات نداشته و نسبت به آن ها برتری ندارند.

قرآن کریم در بخشی دیگر به خصوصیت عمومیت پذیری و جهانشمولی بیان تاکید ورزیده و در آیه 138 سوره آل عمران می فرماید: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» «این بیانی است برای مردم، و رهنمونی [به راه راست] و پندی برای پرهیزگاران.»

با بررسی آیه 138 سوره آل عمران در می یابیم که کلام الله مجید، به عنوان بیانی قاطع و کامل از سوی خداوند متعال در اختیار بنی آدم فارغ از موقعیت مکانی و زمانی او قرار گرفته است (بَيَانٌ لِلنَّاسِ)؛ اما لازمه اثر این بیان بر انسان آن است که مخلوق نیز در پی رسیدن به مقصود و خالق خود باشد (هُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ).

قرآن مجید و صورت های گوناگون آزادی بیان در آن

قرآن کریم را می توان از دو نظر مورد بررسی قرار داد. نخست آن که قرآن، خود مصداق بارز آزادی بیان است و دوم آن که قرآن مصداق آزادی بیان را به تفصیل توضیح می دهد.

1. قرآن کریم مصداقی بارز از آزادی بیان

همان گونه که پیش از این اشاره شد، درون مایه قرآن کریم روشننگری و کنار زدن پرده غفلت و نمایش حقیقت و حقانیت است. کلام الله مجید پرده های جهالت را به کناری می زند و حقیقت را آن گونه که هست در اختیار بشر قرار می دهد. خداوند متعال به پیامبر (ص) می فرماید: «لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» و تو از این (روز) در غفلت بودی، پس ما پرده ات کنار زدیم و چشم بصیرتت بینا گردید. (10) در واقع می توان گفت عاملی که سبب بینا شدن چشم بصیرت آن حضرت می شود، کلام الهی و قرآن کریم است.

قرآن کریم نشانه ای است از آنکه خداوند برای تبیین و توضیح حقایق، هیچ ملاحظه ای نکرده و از کوچکترین چیزها حتی پشه نیز استفاده می کند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ...» «همانا خدا از مثال به پشه ای و بالاتر از آن شرم ندارد، پس کسانی که ایمان آوردند، می دانند که آن امری حق از پروردگارشان است.» (11)

2. قرآن کریم و اشاراتی به آزادی بیان

آیات بسیاری در قرآن کریم وجود دارد که به حق آزادی بیان اشاره می کند که با تدبیر در آیات و تفاسیر آن ها می توان به دیدگاه اسلام درباره این حق دست یافت.

خداوند متعال، به اشخاصی که پس از شنیدن نظرات متعدد، فکر می کنند و بهترین را انتخاب می کنند لقب اولوا الایاب به معنای اهل هدایت می دهد: «...فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» «پس بشارت ده بندگان من را، آنان که سخن را می شنوند پس بهترینش را پیروی می کنند، آنان را خدا هدایت کرده و صاحبان خرد هستند.» (12)

با بررسی این آیه در می یابیم که خداوند بهترین اشخاص را کسانی می داند که گوش فرا می دهند و بهترین عمل را انتخاب می کنند. اما لازمه این عمل، وجود بیان های متفاوت در جامعه است؛ در صورتی که آزادی بیان وجود نداشته باشد پس نمی توان انتظار داشت در یک جامعه بیان های گوناگونی وجود داشته باشد. این آیه مؤید آن است که قرآن کریم آزادی بیان را یکی از حقوق بشر می پندارد.

در بخشی دیگر از قرآن کریم آمده است: «قُلْ يَٰ أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ» «بگو ای اهل کتاب بیاوید به سوی این کلمه ای که بین ما و شما یکسان است که جز خدا را نپرستیم و به او شرک نورزیم و هیچ یک دیگری را بدون (اذن) خدا سرپرست نگیریم.» (13)

در این آیه خداوند اهل کتاب را دعوت کرده تا همراه با مسلمانان، تفکرات خود را بیان کرده و به اشتراکاتی دست پیدا کنند. در واقع قرآن مجید می کوشد فضایی آزاد و به دور از خشونت را ایجاد کند که هر یک از افراد اهل کتاب، آزادانه اظهار نظر کرده و عقایدشان را با مسلمین به اشتراک بگذارند و ذهن حقیقت طلب، نظرات صحیح را انتخاب کند.

عبارت «کلمه سواء» که در متن آیه آمده نشان دهنده آن است که این مهم صورت نخواهد گرفت مگر آنکه هر دو طرف به صورت آزادانه نظرات دیگران را بشنوند و عقاید خود را بازگو کنند.

همچنین در آیه 156 سوره مبارکه آل عمران خدای متعال می فرماید: «فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» «پس به رحمت خدا برای ایشان مهربان شدي و اگر سخت و سنگدل بودی و از کنارت پراکنده می شدند، پس از ایشان درگذر و برایشان استغفار کن و در امور به مشورتشان گیر، پس چون اراده کردی بر خدا توکل کن که همانا خدا متوکلان را دوست دارد.»

مشورت مورد نظر در این آیه به این معناست که می بایست از تجربه ها و نظرات دیگران استفاده کرده و پس از بررسی جوانب آن، بهترین گزینه را انتخاب کرد. بر این اساس، لازمه مشورت و استفاده از نظرات دیگران، آن است که دیگران در بیان نظراتشان آزاد باشند. در صورتی که افراد نتوانند بیان خود را آزادانه مطرح کنند، مشورت مورد نظر قرآن کریم نیز شکل نخواهد گرفت.

روایات ائمه اطهار در باب آزادی بیان

رسول اکرم (ص) به یاران و پیروان خود گوشزد می کند که هیچ گاه شخصی را به دلیل داشتن اندیشه هایش باز خواست نکرده و در صورتی که بیان او حق باشد، می بایست اندیشه اش را پذیرفت. «کلمه ی من سفیه فاقبلوها و کلمه ی سفه من حکیم فاغفروها» «گاهی سخنی از بی خرد را بپذیرید و سخن نابخردانه ای از عاقل را در گذرید.» (14)

در روایت دیگری که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده نیز آمده است: «انظروا الی ما قال و لا تنظروا الی من قال» «نگاه کنید به آنچه گفته می شود نه آنکس که می گوید.» (15) از این روایت می توان این موضوع را دریافت که بیان اشخاص نسبت به خود ایشان ارجحیت دارد.

حضرت امیرالمومنین (ع) نیز در لزوم یادگیری علوم و حکمت حتی از مشرکین نیز می فرماید: «هذا الحکمه و لومن المشرکین» «حکمت را حتی از مشرکین فرا بگیرید.» (16) این روایت مؤید آن است که حتی مشرکین نیز در بیان خود آزاد بوده و در صورتی که بیانشان به علم و حکمت نزدیک باشد بر مسلمین لازم است تا آن را یاد بگیرند.

ایشان در روایت دیگری نیز می فرمایند: «افضل الجهاد کله عدل عند امام جائر» «بالاترین جهاد سخن، عدل نزد ستمگر است.» (17). از این روایت نیز در می یابیم که هر انسانی صرف نظر از دینش، باید بتواند آزادانه حق خود را بیان کند.

امام محمدباقر (ع) نیز از حضرت عیسی (ع) لزوم آزادی بیان را اینگونه نقل می فرماید: «کونوا نقاد الکلام» «نقد کنندگان سخن باشید.» (18). بی تردید لازمه نقد و انتقاد، داشتن حق آزادی بیان است. از این روایت در می یابیم که نقد سخن تنها با آزادی بیان ممکن خواهد بود.

قرآن مجید و حدود آزادی بیان

قرآن کریم مهم‌ترین رمز آزادی بیان را احترام به حقوق دیگران و عدم تجاوز به آزادی دیگران معرفی می‌کند. قرآن آزادی بیان را یک حق دانسته و روی دیگر حق را تکلیف احترام به آزادی دیگران و پاسخگویی به وجدان انسان متعادل قرار می‌دهد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» به دنبال آنچه نمی‌دانی مرو، همانا گوش و چشم و قلب همه مورد سؤال هستند.» (19)

قرآن کریم در برخی آیات نیز در مقام بیان محدودیت های آزادی بیان قرار گرفته و آزادی بیان را در چارچوب انسانیت می‌پذیرد.

الف) «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» همانا کسانی که زنان پاکدامن ناآگاه مؤمن، را افترا می‌بندند، مورد لعن در دنیا و آخرت قرار گرفته و عذابی بزرگ دارند.» (20) از این آیه در می‌یابیم که خداوند به شدت با افترا و تهمت مخالف بوده و آن را گناه می‌شمارد.

ب) خداوند قادر متعال، تمسخر و توهین را نیز خارج از چارچوب آزادی بیان می‌داند و آن را خلاف با فطرت انسان معرفی می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ...» ای کسانی که ایمان آورده اید گروهی دیگر را مسخره نکنند، شاید بهتر از ایشان باشند و زنان، زنان دیگر را شاید که بهتر از ایشان باشند و عیب جوی یکدیگر نباشید و با القاب زشت یکدیگر را یاد نکنید.» (21)

ج) خداوند متعال در بخشی دیگر از سوره حجرات درباره تجسس در مسائل شخصی دیگران و اظهار نظر درباره اسرار دیگران نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ

أَخِيهِ مِمَّا فُكَّرْهُ وَمُوْهُوَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» ای کسانی که ایمان آورده اید، از گمان‌ها جدا بپرهیزید، زیرا که (پیروی) برخی از گمان‌ها (گمان بدی که مخالف واقع باشد) گناه است و (چون معلوم نیست پس باید از همه پرهیز نمود و از عیوب و اسرار دیگران) تجسس و کاوش نکنید و از یکدیگر غیبت ننمایید، آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟»

د) «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أذَاعُوا بِهِ...» و هنگامی که از امری که موجب ایمنی یا ترس است مطلع می‌شوند آنرا فاش می‌سازند.» بر اساس این آیه، قرآن کریم اشخاصی که مسائل امنیتی را افشا می‌سازند را از اصحاب شیطان می‌داند.

ه) خداوند رحمان به مسلمانان، اجازه اهانت به مقدسات دیگران را نمی‌دهد. اسلام اهانت به مقدسات دیگران را هر چند پوچ و بی ارزش باشد را نمی‌دهد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ...» و آنان را که غیر از خدا می‌خوانند دشنام ندهید که خدا را بدون آگاهی جسارتاً دشنام می‌دهند.» (22)

بر این اساس، قرآن کریم با وجود آنکه آزادی بیان را یکی از حقوق حقه انسان‌ها می‌داند اما برای آن محدودیت‌هایی را قرار داده است. **آزادی بیان در ارتباط با آزادی عقیده و اندیشه**

اگر اندیشه را تفکر و معرفت همراه با علم معنا کنیم، آزادی اندیشه به معنای آزادی تفکر بدون محدودیت خواهد بود. قرآن کریم می‌فرماید: «...لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْتِهِ وَيَحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَن بَيْتِهِ...» تا هر که هلاک می‌شود از روی حجت و برهان هلاک گردد و هر که زندگی (معنوی) می‌یابد از روی حجت و برهان زندگی یابد، و حقا که خدا شنوا و داناست.» (23) سپس کسانی که توان فکر کردن را ندارد از این قاعده مستثنا می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّا الْمُسْتَضَعْفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَ لَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا» مگر از مردان و زنان و کودکان که ضعیف نگاه داشته شده اند و راه چاره و هدایتی ندارند.» (24)

آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارد که در آن خداوند انسان‌ها را دعوت به تعقل و تفکر می‌کند لازمه این دعوت آزادی در این تفکر است چرا که اگر آزادی اندیشه و تفکر نبود، انسان نیازی به دعوت به این راه نداشت.

شهید استاد مطهری در کتاب پیرامون انقلاب اسلامی خود نیز می‌نویسد: «اسلام در مسأله تفکر نه تنها آزادی تفکر داده است، بلکه یکی از واجبات در اسلام تفکر است» (25)

یکی دیگر از حقوق پذیرفته شده از سوی قرآن کریم نیز تفتیش عقاید دیگران است. موضوعی که به مسیحیت و یهودیت بارها از آن برای کنار زدن مخالفان خود استفاده کرده اند.

قرآن کریم درباره تفتیش عقاید می‌فرماید: «...وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا...» و به کسی که اسلامش را عرضه می‌کند، نگویید ایمان نداری.» (26)

اسلام، بر اساس این آیه تفتیش عقاید را رد کرده و حق داشتن آزادی در انتخاب عقیده را حق انسان مختار می‌داند.

اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی، منبع آموزه های اخلاقی و اجتماعی است. دینی که در همه ترس و وحشت از تروریست های تکفیری نمادی از وحشی گری قلمداد می‌شود.

غرب با فراموش کردن گذشته خود، با فراری به جلو، اسلام را دینی معرفی می‌کند که دادگاه‌های تفتیش عقایدش از سوی داعش، طالبان و القاعده مدیریت می‌شود.

قرآن کریم که خود، آزادی بیان را ترویج و تبلیغ می‌کند، از سوی مدعیان آزادی بی‌قید و بند امروزی به آتش کشیده می‌شود و این سوال را در ذهن به وجود می‌آورد که چرا مدعیانی که خواهان آزادی بیان هستند، بیان خداوند و اسلام را تاب نیاورده و از هر طریقی در تلاش اند تا اسلام را دینی متحجر و محدود به سلفی گری نشان داده و نظرات تشیع علوی را سانسور رسانه ای کنند.

در حالی که قرآن کریم، همگان را به تعقل و تفکر در آیات الهی دعوت می‌کند، مسلمان‌نماهای سلفی، با شمشیرهای آخته و سرهای بریده در دست، آیات قرآن را از بر می‌خوانند و جلوه محبت ناب محمدی را در پس اعمال دهشتناک خود پنهان می‌کنند.

اسلام، دینی است و رای زمان و مکان، و رای اندیشه و بیان، دینی بی حد و مرز، دینی افراط گریز.

اسلام دینی است که بیان را در چارچوب احترام و عقیده را در قالب اکرام دیگر عقاید می‌پذیرد و انسان را مختار در انتخاب اندیشه و نگرش به زندگی قرار می‌دهد.

بی تردید اسلام، دینی است آزاد و آزادی بخش که بی منت انوار آسمانی اش را به هر جوینده در راه حقیقت می‌تاباند و او را به سر منزل مقصود رهنمون می‌کند.

سارا دانیالی

703/9466/م

منابع

1. اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد، 16 دسامبر 1948

2. مهرپور، حسین؛ حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، 1386، صص 403-

395.

3. سوره اعراف آیه 157

4. از وصیت‌های آن حضرت است به حضرت مجتبی علیه السلام. نامه 31

5. سوره اسراء آیه 70

6. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 18، ص 310

7. سوره الرحمن آیه 3

8. سوره آل عمران آیه 138

9. سوره یوسف آیه 2

10. سوره ق آیه 22

11. سوره بقره آیه 26

12. سوره زمر آیات 17 و 18

13. سوره آل عمران آیه 64

14. مجلسی، 1403، ج 2، صفحه 96

15. حر عاملی، ج 1، ص 50

16. مجلسی، 1403، ج 2، ص 97

17. بحار الانوار، 1403، ج 100، ص 75

18. مجلسی، 1403، ج 2، ص 96

19. سوره اسراء آیه 36

20. سوره نور آیه 4

21. سوره حجرات آیه 11

22. سوره انعام آیه 108

23. سوره انفال آیه 42

24. سوره نساء آیه 98

25. مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، 1364، ص 93

26. سوره نساء آیه 94